

الصوارم المهرقة

[230] این صاحبیت اصطلاحی که کلام در آنست لازم نمیاید پس اگر کسی انکار صحابیت أو بنا بر این شبهات کند چگونه اورا تکفیر توان کرد ؟ بلی اگر انکار صحابیت ابی بکر لذاته کفر باشد کفر أو لازم آید لیکن از سخن امام غزالی معلوم شد که آن لذاته کفر نیست برای استلزام تکذیب رسول الله صلعم کفر است و چون کسی آیه مذکوره بوی نرسیده باشد یا اعتقاد اینکه منزلت فیه أبو بکر است نداشته باشد از انکار أو صحابیت ابی بکر را تکذیب بقرآن و رسول الله صلی الله علیه وسلم لازم نمیاید چه دلالت آیه مذکوره بر معنی مذکور نه چنان دلالتی قطعی ضروریست که اگر کسی انکار کند ظاهر حال این باشد که أو مضمّر انکار قرآنست و ادعای این تأویل بهانه ایست که برای خود ساخته. اگر کسی سؤال کند که گیر که نظر بآیه چنین است چه میگوئی در خرق اجماع که اکثر علماء بر آن رفته اند که صاحب آن کافر است قال القاضی عیاض فی الشفاء " فاما من انکر الاجماع المجرد الذی لیس طریقہ النقل المتواتر عن الشارع فاکثر المتکلمین والفقهاء والنظار فی هذا الباب قالوا بتکفیر کل من خالف الاجماع الصحیح الجامع لشروط الاجماع المتفق علیه عموما وحجتهم قوله تعالى: ومن یشاقق الرسول بعدما تبین له الهدی ویتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى ونصله جهنم، الاية، . قوله صلعم: من خالف الجماعة قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام " جواب گویم اگر چه مذهب غزالی در این مسأله نه مذهب جمهور است و خرق اجماع نزد أو کفر نیست چنانکه در نقل مذکور شد أما ما استناد بمذهب أو میجوئیم ومی گوئیم که اجماعی که خرق آن کفر است اجماعا اجماعیست که در امور دین باشد از عقائد اصلیه واحکام عملیه مانند حرمت خمر که اگر کسی انکار آن کند در این انکار رفع حکمیست از احکام دین چه ثمره این انکار آنست که شرب خمر
